

نظریه زمینه‌ای فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج: یک مطالعه کیفی

رضا خجسته مهر^۱، علی محمدی^۲، ذبیح‌اله عباس‌پور^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: با توجه به این که تاکنون الگویی در تبیین چگونگی شکل‌گیری نگرش به ازدواج در کشور ارائه نشده است، مطالعه حاضر با هدف ارائه نظریه زمینه‌ای فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج انجام گرفت.

روش: این پژوهش از نوع کیفی بود که با استفاده از نظریه زمینه‌ای در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ انجام شد. از بین دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۸ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و عمیق بود. برای تحلیل داده‌ها از کدگذاری سه مرحله‌ای (باز، محوری و انتخابی) Strauss و Corbin استفاده گردید.

یافته‌ها: «تغییر نسبی در نگرش به ازدواج» الگوی پارادایمی پژوهش حاضر بود. طبقه عوامل فرهنگی-اجتماعی، تجربیات اولیه و مشاهده الگوهای ناقص به عنوان شرایط علی، آگاهی و شناخت یکدیگر، حمایت‌های مادی و معنوی و ادراک حرمت و قداست ازدواج به عنوان شرایط مداخله‌گر، فشارهای ازدواج، دخالت والدین و انتقال بین نسلی و همچنین، عوامل اقتصادی به عنوان شرایط زمینه‌ای، و راهبردهای مقابله متناسب با نگرش به عنوان کنش‌های تعاملی و رشد شخصی ادراک شده و اشتیاق به ازدواج، دوسوگرایی در تمایل به ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج نیز به عنوان پیامد این الگوی پارادایمی مشخص گردید.

نتیجه‌گیری: بر اساس الگوی کشف شده، تغییر نگرش به ازدواج به عنوان عامل اساسی ترغیب‌کننده جوانان به ازدواج، طی رویکردی کلی و سیستمی صورت می‌گیرد. بر اساس این رویکرد، اقداماتی مانند ترویج الگوهای موفق ازدواج در جامعه، حمایت‌های مادی و معنوی والدین، آموزش راهبردهای مقابله‌ای متناسب با چالش‌های ازدواج، افزایش مهارت‌های آمادگی ازدواج و حمایت دولت در تشکیل هسته‌های مشاوره ازدواج توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نظریه زمینه‌ای، نگرش به ازدواج، مطالعه کیفی

ارجاع: خجسته مهر رضا، محمدی علی، عباس‌پور ذبیح‌اله. نظریه زمینه‌ای فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۶؛ ۶ (۳): ۳۵۴-۳۴۳.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲۵

Email: khojasteh_r@scu.ac.ir

نویسنده مسئول: رضا خجسته مهر

مقدمه

سازه نگرش به ازدواج نشان دهنده احساسات و تمایلات، پیش‌داوری‌ها یا سوگیری‌ها، تصورات از پیش فرض شده و ترس‌ها و عقاید راسخ افراد در مورد ازدواج است. بنابراین، نگرش فرد به ازدواج، شیوه فکر و احساس کردن او در مورد ازدواج می‌باشد (۱). از دیدگاه روان‌شناسان اجتماعی، نگرش فرد نسبت به یک شیء به صورت ناگهانی و بدون هیچ گونه فعل و انفعالاتی شکل نمی‌گیرد، بلکه اتخاذ و شکل‌گیری یک نگرش خاص می‌تواند نتیجه عوامل مختلفی باشد و در طول زمان صورت می‌گیرد (۲). امروزه در امر ازدواج، به انتظارات، ادراک و نگرش به ازدواج، به عنوان یک پدیده شناختی و ذهنی، توجه خاصی می‌شود؛ چرا که تحریف این استانداردها می‌تواند به آشفتگی زندگی زناشویی بینجامد (۳).

بر اساس مطالعات صورت گرفته، در سال‌های اخیر نگرش جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده جهت‌گیری منفی داشته و به دنبال این نگرش منفی، تباهی اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی در جوانان عمومیت یافته است (۴). تغییر در الگوهای ازدواج، بی‌رغبتی به ازدواج، ازدواج در سنین بالا یا عدم ازدواج به طور کلی، افزایش چشمگیری داشته است (۵). انتقال به سوی الگوهای جدید تشکیل خانواده و تغییر در ارزش‌های ازدواج به ویژه در میان جوانان شهری و تحصیل کرده جامعه، قابل توجه است (۸-۵)؛ در حالی که علت بیشتر مسایل و مشکلات خانواده‌ها در صورت ریشه‌یابی، به نگرش‌های ناصحیح در ازدواج برمی‌گردد. این نگرش‌ها و احساسات، پایه‌های اساسی تصمیم‌گیری برای چگونگی ازدواج، زمان ازدواج و نیز انتظارات و رفتارهای زناشویی را شکل می‌دهند (۹).

با توجه به فرایند پیچیده شکل‌گیری نگرش به ازدواج، Holman در پاسخ به این سؤال که مطالعه نگرش به ازدواج چه سود و اهمیتی دارد، اذعان داشت که شناسایی درست و ارزیابی صحیح نگرش به ازدواج، یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌ها در مطالعاتی است که هدف آن‌ها پیش‌بینی و شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زناشویی است (۱۰)؛ چرا که نگرش به ازدواج، یکی از مکانیسم‌های کلیدی برای پیش‌بینی رفتار واقعی در ازدواج (۱۱) و یکی از بهترین

شاخص‌های عملکرد در روابط عاشقانه است (۱۲).

کشور ما در مرحله گذار از سنت و ورود به مدرنیته قرار دارد و با تغییرات اجتماعی و فرهنگی وسیعی در همه پدیده‌های اجتماعی از جمله ازدواج و همسرگزینی روبه‌رو است. این تغییرات موجب شده است که مردان و زنان نگرش نوینی به پیوند زناشویی و ازدواج داشته باشند؛ به طوری که طبق گزارش‌های آماری سازمان ثبت احوال کشور، میزان طلاق در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۹۲، ۳/۴ درصد افزایش و ثبت ازدواج نیز ۶/۷ درصد کاهش یافته است؛ در حالی که ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در کشور در گذر از سن ازدواج هستند. همچنین، ۱۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در کشور در سن ازدواج قرار دارند، اما تاکنون برای تشکیل خانواده اقدام نکرده‌اند (۱۳). با توجه به این که نحوه شکل‌گیری نگرش و نوع آن ارتباط زیادی با فرهنگ دارد (۱۵، ۱۴) و بر اساس نتایج مطالعات Carroll و همکاران (۱۶) و Hall (۱۸، ۱۷) و همچنین، وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه ازدواج، محققان مدل‌های نظری خاص خود را در زمینه اثرات نگرش به ازدواج و پیامدهای آن، تنها برای مناطق خاصی از جهان مطرح کرده‌اند. بسنده کردن اغلب این پژوهش‌ها به بررسی مثبت یا منفی بودن نگرش به ازدواج و مبهم ماندن فرایند شکل‌گیری نگرش‌ها یا درک معنی و مفهوم ازدواج نزد شرکت کنندگان، بیانگر ضرورت اجرای مطالعات جدید و مبتنی بر روش کیفی می‌باشد. همچنین، بیشتر تحقیقات قبلی در داخل و خارج کشور در زمینه نگرش به ازدواج بیشتر به روش کمی و بررسی مفاهیم متعددی از جمله بررسی سودمندی و جاذبه‌های ازدواج (۲۰، ۱۹)، بیان اهمیت و ضرورت ازدواج (۲۱)، تغییرات مثبت و منفی همراه با ازدواج (۲۲)، آمادگی برای ازدواج (۲۴، ۲۳)، رغبت به ازدواج (۲۵)، انتظارات و توقعات از ازدواج (۲۶، ۱۲)، انتظارات غیر واقع‌گرایانه نوجوانان (۲۷) و سن مورد انتظار برای ازدواج (۲۸) پرداخته‌اند. یکپارچه نبودن یافته‌های مطالعات مذکور و توصیف و تعبیرهای متفاوت در تبیین نگرش‌های اصلی به ازدواج، دسته‌بندی‌های متعددی را به وجود آورده است.

بنابراین سؤال مطرح شده این است که در سطح بومی و در بین جوانان امروزی، برداشت افراد از ازدواج چیست؟ و با

کنکاش محیط بومی شرکت کنندگان و بررسی الگوهای رفتاری و ادراکی آن‌ها، شکل‌گیری این نگرش‌ها چگونه تبیین می‌گردد؟ نظر به اهمیت موضوع در پیش‌بینی زندگی زناشویی و رفتار آینده افراد، پژوهش حاضر بر مبنای داده‌های اولیه پژوهش پیشین خجسته مهر و همکاران (۲۹)، اما در سطحی عالی‌تر، درصدد بود تا با ارایه یک نظریه زمینه‌ای از فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج، دریابد که فرایند نگرش به ازدواج چگونه و طی چه مراحل و در مواجهه با چه مسائلی شکل می‌گیرد. امید است که با تبیین الگوهای رفتاری و ادراکی ازدواج طبق این مدل، درک بهتری در این خصوص ایجاد شود.

روش

این مطالعه به روش کیفی و با رویکرد نظریه زمینه‌ای انجام شد. تجربه ازدواج و شکل‌گیری نگرش به ازدواج، فرایندی اجتماعی، تعاملی و پیچیده می‌باشد که تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. نظریه زمینه‌ای نیز نوعی روش تحقیق کیفی می‌باشد که برای بررسی فرایندهای اجتماعی موجود در تعاملات انسانی و ساختار و روندی که به آن منجر شده است، به کار می‌رود (۳۰). بنابراین، رویکرد نظریه زمینه‌ای برای مطالعه انتخاب گردید. برای انتخاب نمونه‌ها از نمونه‌گیری مبتنی بر هدف استفاده شد و همه دانشجویان شرکت کننده متأهل، دارای تجربه زیسته مشابه، فاقد سابقه جدایی و حداکثر ۳۹ ساله در مطالعه شرکت نمودند. هدف از قرار دادن شرایط محدود کننده نمونه، آن بود که افرادی انتخاب شوند که پدیده ازدواج را در وهله اول تجربه کرده باشند و در این صورت است که امکان دسترسی به تجربیات عمیق‌تر شرکت‌کنندگان، بیشتر امکان‌پذیر خواهد بود. بر این اساس، پژوهش حاضر در جستجوی نمونه‌هایی بود که بر اساس تجاربشان، حداکثر اطلاعات ممکن را در پاسخ به سؤالات پژوهش ارایه دهند (۳۱).

محیط پژوهش، دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ و روش اصلی جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته فردی و عمیق بود. مصاحبه‌ها به زبان فارسی و در دانشگاه شهید چمران اهواز انجام شد.

پس از مصاحبه فردی با ۱۸ دانشجو و رسیدن به غنای لازم و تکرار اطلاعات به دست آمده، داده‌ها به مرحله اشباع رسید. مصاحبه با طرح سؤالی کلی و عمومی در مورد تجربه ازدواج و علل گرایش به آن آغاز گردید و در ادامه، به بررسی عمیق آن پرداخته شد. تعدادی از سؤالات که به منزله راهنمای مصاحبه در نظر گرفته شد، شامل «چه شد که تصمیم گرفتید ازدواج کنید؟ و چه مسایل مهمی بر دیدگاه شما نسبت به ازدواج تأثیرگذار بوده است؟» بود. همچنین، از شرکت کنندگان درخواست گردید تا موارد دیگری را که به ذهنشان می‌رسید و طی مصاحبه از آن‌ها سوال نشده بود، مطرح نمایند. مصاحبه‌ها ۴۵-۶۰ دقیقه به طول انجامید و روی نوار ضبط شد و بلافاصله محتوای آن‌ها به صورت کلمه به کلمه بر روی کاغذ پیاده‌سازی و تایپ شد و به روش Strauss و Corbin (۳۲) تحلیل گردید. معیار اصلی در خصوص تعداد مصاحبه‌ها، استفاده از افراد مطلع کلیدی، کیفیت داده‌ها، طبقات و نظریه در حال ظهور و رسیدن به اشباع نظری بود. بعد از خواندن متن هر مصاحبه و درک آن، کد مناسی به عبارت یا پاراگراف مورد نظر داده شد. تمام مصاحبه‌ها با همین روش کدگذاری گردید. در واقع، کدگذاری داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی صورت گرفت. در مرحله کدگذاری باز، متن هر مصاحبه چندین بار مرور و جملات اصلی آن استخراج و به صورت کدهایی بر اساس کلمات شرکت کنندگان (کدهای زنده) و یا کلمات مفهومی پژوهشگر (کدهای دلالت کننده) ایجاد شد. سپس کدهایی که به لحاظ مفهومی مشابه بود، در کنار یکدیگر قرار گرفت. مقوله‌های اولیه‌ای که در جریان مرحله کدگذاری باز پدید آمد، در مرحله کدگذاری محوری از جهت نقاط تشابه و تفاوت با یکدیگر مقایسه شد و مقوله‌ها یا زیرطبقاتی که نقاط اشتراک داشتند، ادغام و حول محور مشترکی با عنوان طبقه قرار گرفتند. سپس در کدگذاری انتخابی که مرحله فرایند ادغام و نهایی و تصحیح طبقات می‌باشد، پژوهشگر با تمرکز بیشتر بر روی طبقات پدیدار شده، مصاحبه‌ها، یادآورها و متون مرتبط، به کشف ارتباط بین طبقات و زیرطبقات بررسی شده پرداخت. پژوهشگر ضمن تمرکز بر

کنندگان جهت شرکت در مطالعه، توجه به حریم خصوصی آنها، اطمینان از محرمانه نگهداشتن اطلاعات شرکت کنندگان از طریق اختصاص کد به جای ذکر اسامی، داشتن حق کناره‌گیری شرکت کنندگان از پژوهش در هر زمان دلخواه و همچنین، کسب اجازه ضبط مصاحبه‌ها انجام شد.

یافته‌ها

همه شرکت کنندگان متأهل و مسلمان بودند و حدود یک سال از ازدواجشان گذشته بود. میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۰ سال و میانگین مدت ازدواجشان ۴ سال بود. به جز شرکت کننده شماره ۱۲، بقیه افراد در خانواده دو والدی (پدر و مادر) بزرگ شده بودند. درآمد نمونه‌ها بین صفر تا ۳ میلیون تومان متغیر بود. بیشتر نمونه‌ها کم‌درآمد یا بیکار بودند و اغلب از سوی خانواده پشتیبانی می‌شدند. از میان ۱۸ شرکت کننده، ۹ نفر دارای فرزند بودند. دین تمام شرکت کنندگان اسلام بود و ۶ نفر از آنها اظهار کردند که در روستا زندگی می‌کنند. ویژگی‌های کامل جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش به اقتباس از پژوهش پیشین خجسته مهر و همکاران (۲۹) در جدول ۱ آمده است.

فرایندی که در داده‌ها نهفته است، توجه خود را بر این امر معطوف نمود که کدام مقوله یا متغیر است که بیشتر از همه در داده‌ها تکرار شده است و قادر است ضمن توجیه فرایند روانی-اجتماعی اساسی (Basic Social Psychological Process) یا (BSPP)، سایر مقوله‌ها را به یکدیگر ارتباط دهد (۳۲).

تحلیل نهایی یافته‌ها به آشکار شدن متغیر مرکزی به عنوان فرایند اساسی روانی-اجتماعی تغییر نسبی در نگرش به ازدواج منجر شد. به منظور افزایش مقبولیت، استحکام و عمق اطلاعات در مطالعه حاضر، اقداماتی مانند بازبینی مصاحبه‌های کدگذاری شده و مرور دست‌نوشته‌ها برای شرکت کنندگان، توافق اعضا بر روی مصاحبه‌های تحلیل شده، دسته‌بندی کدهای مشابه و طبقات، تنوع در انتخاب مشارکت کنندگان، اختصاص مکان مناسب و زمان کافی برای جمع‌آوری داده‌ها، حسن ارتباط با شرکت کنندگان، نسخه‌نویسی مصاحبه‌ها در اسرع وقت و استفاده از نظرات تکمیلی همکاران صورت گرفت. به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش اقداماتی مانند توضیح هدف پژوهش و نحوه انجام آن، ارائه معرفی‌نامه پژوهشگران، کسب رضایت آگاهانه شفاهی و کتبی مشارکت

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت کنندگان (۲۹)

کد شرکت کننده	سن (سال)	مقطع تحصیلی	رشته یا تخصص	قومیت	مدت زمان ازدواج	تعداد فرزند	محل سکونت
۱	۲۵	کارشناسی	فیزیک	کرد	۱۴ ماه	۰	شهر
۲	۲۸	کارشناسی ارشد	فقه و حقوق اسلامی	لر	۲ سال	۰	شهر
۳	۲۶	دکتری	روان‌شناسی	فارس	۱۳ ماه	۰	روستا
۴	۲۶	دکتری	فلسفه آموزش و پرورش	فارس	۱۸ ماه	۰	شهر
۵	۳۷	دکتری	فیزیک	فارس	۵ سال	۱	شهر
۶	۳۹	دکتری	دام‌پزشکی	آذری	۱۰ سال	۲	شهر
۷	۳۸	دکتری	آناتومی و جنین‌شناسی	بختیاری	۱۵ سال	۳	شهر
۸	۳۵	کارشناسی ارشد	روان‌شناسی	کرد	۶ سال	۱	شهر
۹	۲۸	کارشناسی ارشد	حقوق	لر	۳ سال	۱	روستا
۱۰	۳۵	کارشناسی ارشد	کتابداری	لر	۱۳ سال	۲	روستا
۱۱	۲۵	کارشناسی ارشد	مهندسی	فارس	۲ سال	۰	شهر
۱۲	۲۶	کارشناسی ارشد	حقوق خصوصی	ترک	۱۸ ماه	۰	روستا
۱۳	۳۴	کارشناسی	مدیریت بازرگانی	عرب	۱۵ سال	۳	شهر
۱۴	۲۷	کارشناسی ارشد	زبان و ادبیات عرب	عرب	۲ سال	۱	شهر
۱۵	۲۸	کارشناسی ارشد	حسابداری	بختیاری	۱۳ ماه	۰	روستا
۱۶	۲۸	کارشناسی ارشد	مهندسی آب	فارس	۲ سال	۰	شهر
۱۷	۲۷	کارشناسی ارشد	مهندسی	فارس	۱۸ ماه	۱	شهر
۱۸	۳۰	کارشناسی ارشد	علوم کشاورزی	کرد	۱۵ ماه	۰	روستا

همکاران (۲۹) توضیح داده شده است. داده‌های خام مصاحبه پژوهش حاضر پس از کدبندی و دسته‌بندی، در قالب مفاهیم، مقولات و طبقات به استخراج یک مقوله محوری و پدیده اصلی پژوهش منتهی شد. پژوهشگران از طریق این مقوله توانستند تمام طبقات و مقولات زیرمجموعه را به یکدیگر ربط دهد و فرایند مرکزی پژوهش را کشف نماید.

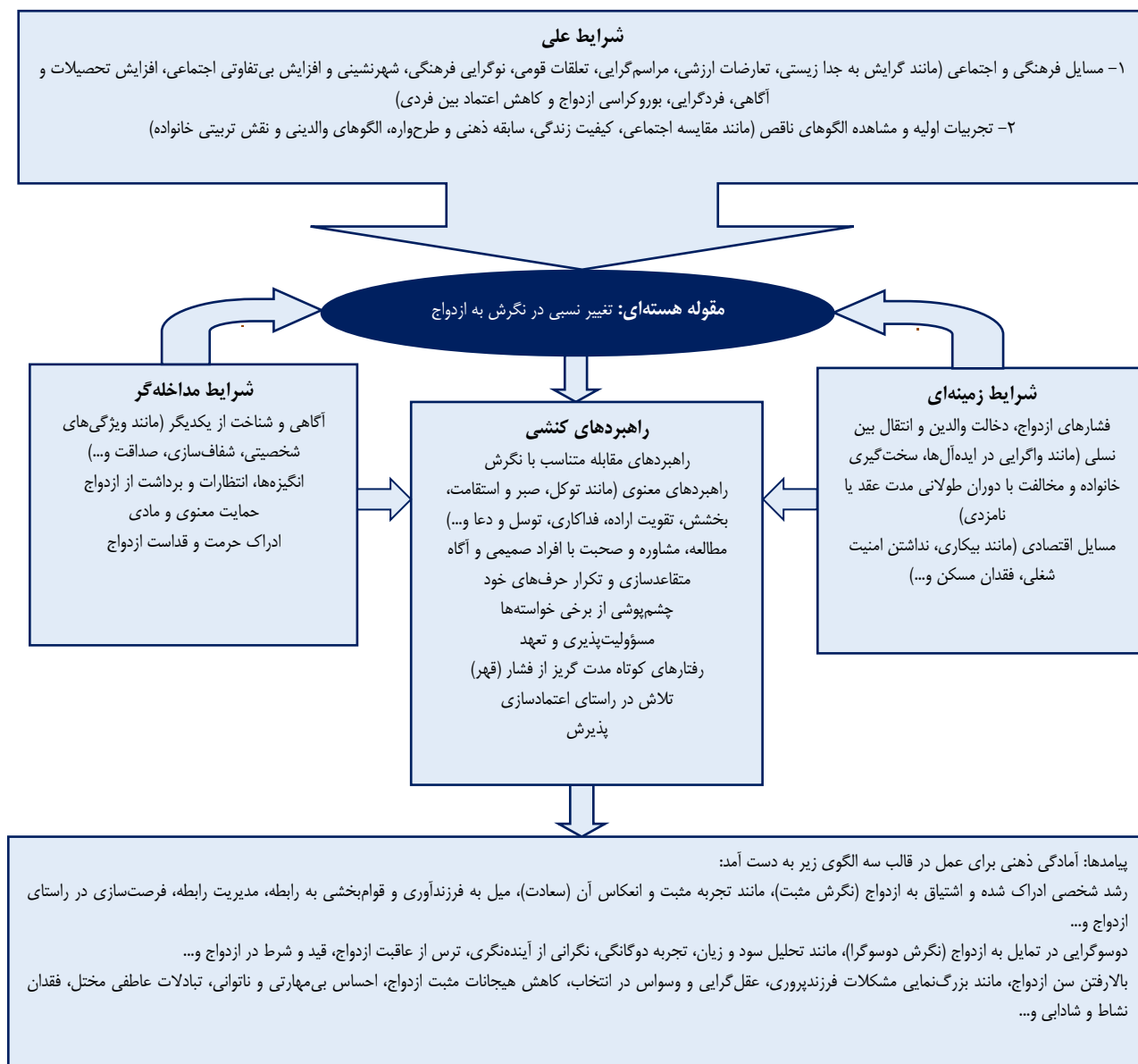
از ۱۸ مصاحبه (بدون احتساب هم‌پوشانی)، ۵۸۹ کد به دست آمد که با احتساب هم‌پوشانی و ادغام آن‌ها به منظور کدگذاری دقیق‌تر و تسهیل در روند پژوهش، ۶۸ مقوله باقی ماند. پس از فرایند تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مداوم، زیرطبقات در ۱۲ طبقه کلی خلاصه گردید (جدول ۲) که جزییات مبسوط این طبقات، مقوله‌ها و مفاهیم در پژوهش خجسته مهر و

جدول ۲. مقولات و طبقات استخراج شده (۲۹)

تعداد کدها	مقولات	طبقات
۴۸	کفویت در همسرگزینی، اخلاق محوری و صداقت، شفاف‌سازی و پیش در انتخاب، ویژگی‌های فردی و شخصیتی و توجه به نسبتی از تمام معیارها در همسرگزینی	آگاهی و شناخت یکدیگر
۳۶	فشارهای اجتماعی، فشارهای روانی و فردی، تمایز نایافتگی و وابستگی به خانواده، سبک‌های تربیتی خانواده، واگرایی در ایده‌آل‌ها، سخت‌گیری و قید و بندهای افراطی	فشارهای ازدواج، دخالت والدین و انتقال بین نسلی
۵۳	پایبندی به ارزش‌های دینی و مصونیت، آرمان‌گرایی و داشتن تصویر ایده‌آل از همسر، احساس آرامش و پاسخ به دیگر نیازهای روانی- اجتماعی، تشخیص مناسب بودن سن و نیاز به مستقل شدن، تعهد و مسؤلیت‌پذیری، ترحم و دلسوزی	انگیزه‌ها، انتظارات و برداشت از ازدواج
۱۵۷	سنت‌زدایی و نوگرایی فرهنگی (تردید در ارزش‌ها و رسوم سنتی)، تعارضات ارزشی (سبک زندگی چندگانه)، تعلقات قومی، گرایش به جدا زیستن، کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و کاهش قبح طلاق، فردگرایی، بوروکراسی ازدواج و نگاه متفاوت نسبت به تدارکات آن (مانند مهریه)، شهرنشینی و افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی، فضای مجازی و کاهش اعتماد بین فردی، رسانه‌ها و تجمل‌گرایی، افزایش آگاهی و تغییر در معیارها و خواسته‌ها	مسائل فرهنگی و اجتماعی
۲۶	بیکاری و فقدان درآمد، نداشتن امنیت شغلی، فقدان مسکن، هزینه‌های گران زندگی، ناکارآمدی برنامه‌های اقتصادی تسهیل ازدواج	مسائل اقتصادی
۲۵	حمایت در قالب هم‌سوایی فکری، حمایت عاطفی و مادی خانواده و دوستان، دلگرمی‌های همسر، حمایت‌های کوتاه مدت و مشروط، کاهش نقش هم‌نشینی، همبستگی و مسؤلولانه خانواده	حمایت‌های مادی و معنوی
۲۰	احساس وجود خدا در زندگی مشترک (خدا آگاهی)، فکر نکردن به شکستن پیمان ازدواج و تأکید بر کیفیت ارتباط، باور به بی‌بدلیل بودن ازدواج	ادراک حرمت و قداست ازدواج
۴۴	مقایسه اجتماعی و چشم و هم‌چشمی، کاهش کیفیت زندگی، سابقه ذهنی و طرح‌واره‌ها، الگوهای والدینی	تجربیات اولیه و مشاهده الگوهای ناقص
۸۰	راهبردهای معنوی (توکل، صبر و استقامت، بخشش، تقویت اراده، فداکاری، توسل و دعا)، متقاعدسازی، پذیرش، رسیدگی به خود در ابعاد مختلف (ظاهری و شناختی)، تغییرات رفتاری مثبت، رفتارهای کوتاه مدت گریز از فشار، تلاش در راستای اعتمادسازی	راهبردهای مقابله متناسب با نگرش
۵۴	فرصت‌سازی در راستای ازدواج، آمادگی فردی و شخصیتی ادراک شده، آمادگی بین فردی و تعاملی ادراک شده، تجربه مثبت و انعکاس آن (سعادت)، گرایش به مدیریت رابطه و مراقبت از آن، گرایش به ارزش‌های اخلاقی و مشترک	رشد شخصی ادراک شده و اشتیاق به ازدواج
۲۲	تحلیل سود و زیان و تردید در تصمیم‌گیری برای ازدواج، تجربه دوگانگی (در رفتارها و احساسات)، مشکل اولویت بخشی در معیارهای همسرگزینی، نگرانی از آینده	دوسوگرایی در تمایل به ازدواج
۲۴	بی‌میلی به فرزندآوری، بزرگ‌نمایی مشکلات فرزندپروری، تشدید مشکلات خلقی (ناشادی و یأس) و تبادلات عاطفی، عقل‌گرایی و وسواس در انتخاب، کاهش هیجانات مثبت ازدواج، احساس ناتوانی و بی‌مهارتی، گرایش به ادامه تحصیل	بالا رفتن سن ازدواج

انتزاعی و عمومی تر که بیانگر سؤال اصلی پژوهش می‌باشد، استخراج گردید و سپس الگوی زمینه‌ای حول مقوله نهایی هسته ترسیم شد. این الگوی نظری در واقع پاسخ اصلی به سؤال محوری تحقیق یعنی «تبیین فرایند و ارایه مدل فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج دانشجویان متأهل» بود. شواهدی از گفته‌های شرکت کنندگان برای برخی طبقات نامبرده در ادامه آمده است.

این فرایند در نظریه زمینه‌ای با عنوان الگوی پارادایمی شناخته می‌شود. الگوی پارادایمی فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج در شکل ۱ آمده است. این تصویر نهایی قادر است که به پرسش‌های پژوهش پاسخ دهد و خود منشأ تولید پرسش‌های تازه شود. برای نیل به این هدف، کلیه مقوله‌های عمده بر حسب جنبه‌های شرایطی، تعاملی و پیامدی با همدیگر تلفیق شد و یک الگوی



شکل ۱. الگوی پارادایم فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج

وجود اختلاف و شکاف فکری بین والدین و فرزندان دانست و بیان نمود: «بین خانواده‌ها از جمله خانواده من، جا افتاده که اول بزرگ‌تره ازدواج کنه. اون موقع من هیچ گونه آمادگی نداشتم. فکر می‌کنم درست نیست بخواهیم در هر کاری بر اساس سن قضاوت کنیم».

با توجه به گسترش شهرنشینی و افزایش میزان تحصیلات، می‌توان گفت که سکونت در شهر یا روستا نیز از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نگرش جوانان و میزان تمایل آن‌ها به ازدواج بود. شدت احساس فشار ناشی از مجرد در روستانشینان و یا افرادی که سابقه سکونت در روستا را دارند، بسیار بیشتر از شهرنشینان می‌باشد. شرکت کننده ۱۰ در این باره گفت: «من در محله روستایی بزرگ شدم، اما رفت و آمدهای زیادی به شهر داشتم... اصلاً قابل مقایسه نیست مردم روستا به چی فکر می‌کنن و مردم شهر به چی! برای مثال، در روستا شنیدن این جمله برام تکراری شده بود که فلانی ازدواج نکردی؟ کی می‌خوای تشکیل خانواده بدی؟ مستقل نشدی؟ اگه می‌خوای درس بخونی تا آخر عمر هم درس تموم نمی‌شه».

باور به ویژگی‌های معنوی نقش یا رابطه، موجب می‌شود که رابطه صفات متعالی به خود بگیرد و به عنوان جلوه‌ای مقدس از ذات باری تعالی دیده شود. مرور متون مصاحبه برخی از شرکت کنندگان جلوه‌هایی از این تقدس‌بخشی را نمایان می‌سازد. شرکت کننده ۱۲ اظهار نمود: «صحبت‌های عموم خیلی روی دیدگاه خانواده خانمم تأثیر گذاشت. ایشون با خانواده همسرم صحبت کردن که اینا جوونند، اول زندگیشونه، خدا بزرگه، مرد اگه اهل کار و زندگی باشه، خدا به زندگیشون برکت می‌ده... یا در بحث مهریه به احادیث دینی و سنت معصومین (ع) اشاره می‌کرد. خودم هم همین اعتقاد رو دارم».

شرکت کننده ۱۱ به کمک گرفتن از مشاوران و مطالعه کتاب‌های روان‌شناسی اشاره کرد: «در کنار کتاب‌هایی که خوندم، با چند استاد روان‌شناسی هم صحبت کردم. به نظرم مراکز مشاوره خیلی می‌تونن کمک کنن. خودم قبل از ازدواجم رفتم، الانم گاهی وقتا می‌رم».

بسیاری از مشارکت کنندگان معتقد بودند که عامل اصلی موفقیت در ازدواج، شناخت کافی از طرف مقابل قبل از ازدواج است. آن‌ها مدعی بودند که نگرش مثبت آن‌ها به ازدواج، نتیجه فرصت فراهم شده قبل از ازدواج برای شناخت درست و کافی از طرف مقابلشان بود. شرکت کننده ۲ در مورد ازدواجش گفت: «با این که هر دو تامون دانشجو بودیم و از شهر و فرهنگ‌های مختلف هستیم، اما خوشبختانه در این دوره چهار ساله دانشجویی مون با صداقت کامل با هم آشنا شدیم و خدا رو شکر الان زندگی خوبی داریم. به نظرم شناخت کافی، شرط خوشبختی زوجین و عدم پشیمونی بعد از ازدواج است».

شرکت کننده ۱۳ که در ۱۹ سالگی ازدواج کرده بود، درباره نقش مهم ویژگی‌های شخصیتی و تلاش افراد در آستانه ازدواج برای شناخت این ویژگی‌ها بیان کرد: «کسی که مسؤولیت‌پذیر نیست، ۲۰ سالش باشه یا ۳۰ سالش باشه فرق چندانی نمی‌کنه. من در آن سن قبول مسؤولیت کردم؛ تأهل و همسررداری مسؤولیت می‌خواد. من این رو می‌دونستم که ازدواج یعنی باید بتونم از پس همسررداری و بچه‌داری بریام و خودمو با شرایط کار وفق بدم... از صبح پاشم برم سرکار تا ظهر و این کار روزانه‌ام رو حفظ کنم. کافی‌شاپ و هر روز پارک رفتن قبل از ازدواج که نشد مسؤولیت...».

شرکت کننده ۶ معتقد بود که سن مطلوب برای ازدواج، بالای ۲۷ یا ۲۸ سالگی است؛ در حالی که گاهی فشارهای اجتماعی این معادله را بر هم می‌زند: «در ابتدا برنامه و ترجیح من این بود که در سن زیر ۳۰ سال ازدواج نکنم، اما نمی‌شد... از بس مردم حرف در می‌بارن. از بس زیر فشار قرار می‌گیری که مجبور می‌شی تا می‌تونی ازدواجتو جلو بندازی. اگه غیر از این کارو می‌کردم، به نظرتون صد تا نقص و ننگ بهم نمی‌چسبوندن؟ نمی‌گفتن لابد فلانی یه عیبی داره؟ یا می‌خواد از نون باباش بخوره؟».

با توجه به تفاوت دیدگاه‌ها و نگرش‌های دو نسل (والدین و فرزندان)، برخی از شرکت کنندگان به دخالت‌های بی‌مورد خانواده به عنوان معضلی برای ازدواج اشاره کردند. شرکت کننده ۹ تأکید خانواده بر رعایت ترتیب تولد در ازدواج را نشانه

عصر ارتباطات و رسانه، آن‌ها را در معرض انبوه اطلاعات و الگوهای جدید زندگی قرار داده و سطح توقعات و انتظاراتشان را افزایش داده است. این یافته با نتایج دیگر پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه نگرش به ازدواج با کیفیت زناشویی (۳۳)، تأثیر رسانه بر نگرش به ازدواج (۳۴) و تأثیر مشاهده یا تجربه طلاق و خشونت خانوادگی بر شکل‌گیری نگرش به ازدواج (۳۵) همسو می‌باشد. در همین راستا، گزارش‌های سازمان ثبت احوال کشور از آمار ازدواج نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در مناطق شهری کشور بیشتر از مناطق روستایی می‌باشد؛ به طوری که در سال ۱۳۹۳، میانگین سن آقایان در ازدواج‌های ثبت شده در کشور ۲۷/۴ سال بوده است که این شاخص برای مردان ساکن در نقاط شهری، ۲۷/۷ سال و در نقاط روستایی ۲۶/۲ سال گزارش گردید (۱۳).

شرکت کنندگان پژوهش حاضر با توجه به اعتقاد و فرهنگ بومی خود، واکنش‌های متفاوتی را هنگام ازدواج یا تصمیم‌گیری برای آن نشان داده بودند که بسته به عوامل زمینه‌ای مؤثر در پدیده ازدواج و تجربه افراد از ازدواج، راهبردهای مقابله آن‌ها متفاوت و متناسب با نگرش‌شان بود. برای نمونه، راهبردهای مذهبی مانند توکل، اعتماد، صبر و استقامت جزئی از راهبردهای شرکت کنندگانی بود که تا حدودی خود را به ارزش‌های دینی پایبند می‌دانستند. همچنین، بررسی مفاهیم اولیه و پیامدهای این الگوی پارادایمی نشان داد که بیشتر شرکت کنندگان نگرش مثبتی به ازدواج داشتند (۵۴ مفهوم اولیه)، اما نگرش منفی (۲۴ مفهوم) و نگرش دوسوگرا به ازدواج (۲۲ مفهوم) تا حدودی نزدیک به هم بود.

لازم به ذکر است با وجود تغییراتی که در ادراک نگرش‌ها و رفتارهای ازدواجی جوانان نسبت به الگوی ازدواج زود هنگام و گرایش و تمایل در جهت به تأخیر انداختن ازدواج به وجود آمده است، با این حال، برخی عوامل فرهنگی و سنتی مانند قومیت و باورهای مذهبی هنوز در مقابل تغییر الگوهای ازدواج، پذیرش ایده‌های جدید و نگرش بدبینانه به ازدواج به طور کلی مقاومت کرده‌اند که این یافته با نتایج مطالعه نقش قومیت، الگوهای والدینی و سبک تربیتی در شکل‌گیری نگرش‌ها (۳۶) همسو می‌باشد. علاوه بر این، در

شرکت کننده ۱ فرصت‌سازی در راستای ازدواج و نزدیک شدن به دوستانی که خواهر مجرد دارند را نشانه رغبت به ازدواج دانست. «سعی می‌کردم خیلی با دوستم صمیمی بشم، بالاخره هر کسی به یک طریقی سعی می‌کند با کسی جهت ازدواج وصلت پیدا کند... عاقبتش همین شد».

علاوه بر این، به نظر می‌رسد که امروزه مفهوم فایده و بهره‌مندی در ازدواج برجسته‌تر شده است. برای نمونه، گفته‌های شرکت کننده ۲ که از نوعی عقل‌گرایی و تحلیل ذهنی سود و زیان حکایت داشت، بیانگر همین مورد بود: «من تو هر کاری که می‌خوام انجام بدم، با خودم می‌گم به سودش می‌ارزه. وقتی تصمیم گرفتم ازدواج کنم، یک مزیت داشت برام و آن آشنایی با یک فرد کاملاً فرهیخته و متناسب با معیارهام بود که برای من یک فرصت بود. من نمی‌تونستم بدون دلیل اون رو ول کنم؛ چون این روزا پیدا کردن یک فرد متناسب با خود کار سختیه؛ باید کلی بگردی، تحقیق کنی، البته دختر کم نیست‌ها، اونیه که تو تأییدش می‌کنی و به دلت می‌شین، کمه. آشنایی با یک فرد همخوان با خودم برام یک فرصت طلایی بود».

بحث

بر مبنای الگوی پارادایمی مذکور، پژوهش حاضر دو طبقه کلی «عوامل فرهنگی- اجتماعی و تجربیات و مشاهده الگوهای ناقص یا ناکارآمد» را به عنوان عوامل اصلی تغییر نگرش و ارزش ازدواج نزد دانشجویان ارایه نمود. در تفسیر این یافته می‌توان گفت که جامعه ایران در دهه‌های اخیر تحولات بزرگی را در عرصه فرهنگی و اجتماعی تجربه کرده که این امر تأثیر بسیاری بر تغییر دیدگاه‌ها و طرز تفکر افراد داشته است. همچنین، افزایش آمار طلاق، دعواهای خانوادگی، آسیب‌های اجتماعی، فقر و کاهش کیفیت زندگی و سطح معیشتی افراد، نمونه‌هایی از تجربه و مشاهده الگوهای ناقص در جامعه امروز ایران می‌باشد. علاوه بر این، افزایش دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، سطح سواد و تحصیلات افراد و تمایل به زندگی در شهر، باعث شکل‌گیری فرهنگ فردگرایی و افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی شده است. تجربه نسل حاضر در

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج تحقیق حاضر مبنی بر تأثیر خانواده‌ها، مشکلات اقتصادی و فرهنگی بر ازدواج و نقش بسیار حساس حمایت‌های مادی و معنوی در نگرش به ازدواج شرکت‌کنندگان، کمک‌های مالی بدون منت والدین و شروع زندگی مشترک موقت تازه دامادها و تازه عروس‌ها در جوار خانواده با حفظ ارج‌گذاری به استقلال آن‌ها و آسان‌گیری در تشریفات ازدواج از سوی خانواده‌ها و همچنین، سرمایه‌گذاری خیرین و شهرداری‌ها از طریق تسهیلات ساخت مسکن ویژه زوجین جوان، از جمله گام‌های مهم و عملی برای ترغیب جوانان به ازدواج تلقی می‌گردد. البته ایده‌آل‌نگری برخی شرکت‌کنندگان و مشروط کردن ازدواج خود به داشتن درآمد بالا و فراهم بودن همه امکانات، بحث نگرش فرهنگی به ازدواج را به میان می‌آورد که رفع این معضلات به فرهنگ‌سازی گسترده و آموزش همگانی نیاز دارد.

ترغیب جوانان و خانواده‌ها به آسان‌گیری عروسی و ساده‌زیستی در زندگی، اشاعه فرهنگ صحیح ازدواج، ایجاد فضای گفت‌وگو در جامعه، ترغیب رسانه‌های عمومی مانند صدا و سیما، مطبوعات و سایت‌ها به اختصاص برنامه‌های ویژه ازدواج و خانواده، تهیه و تولید فیلم‌های آموزنده در مورد ازدواج و ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی پیرامون موضوع ازدواج و خانواده، می‌تواند فرهنگ جامعه را در این زمینه اصلاح نماید. علاوه بر این، راه‌اندازی قفسه کتاب و محصولات فرهنگی ازدواج و خانواده در اداره‌ها، دانشکده‌ها، مراکز جمعیت، آپارتمان‌ها و...، تبلیغ و معرفی کتاب و محصولات فرهنگی ازدواج و خانواده در صدا و سیما، راه‌اندازی فروشگاه‌های تخصصی ازدواج و خانواده در کلیه استان‌ها و حمایت از تولید کنندگان تولیدات فرهنگی در زمینه ازدواج و خانواده، سطح آگاهی‌های عمومی را در مورد ازدواج و تحکیم خانواده افزایش می‌دهد. علاوه بر این، آموزش راهبردهای مقابله‌ای متناسب با چالش‌های ازدواج در کشور، افزایش مهارت‌های آمادگی ازدواج و حمایت دولت در تشکیل هسته‌های مشاوره ازدواج توسط روان‌شناسان و مشاوران

تحقیق حاضر عوامل اقتصادی جایگاه خاصی در شرایط علی‌الگوی پارادایمی نداشت، بلکه تنها یک عامل زمینه‌ای بود که فرایند تمایل به ازدواج را تسریع یا کند ساخت. در این الگو فقط ۲۶ کد اولیه به عوامل اقتصادی اختصاص داشت؛ در حالی که مسایل فرهنگی و اجتماعی ۱۵۷ کد را شامل شد. این یافته با نتایج مطالعه انجام شده در ویتنام شمالی (۳۷)، همخوانی داشت.

هرچند داده‌های پژوهش حاضر از جمله طبقات ۲، ۴ و ۶ در جدول ۲، پیش‌بینی نمود که ممکن است تحت برخی شرایط، احتمال گرایش به مجرد ماندن افزایش یابد و همسو با دیگر پژوهش‌ها (۳۷)، شواهد قابل ملاحظه‌ای از تغییر نگرش افراد به ازدواج و تلقی آن به انتخابی شخصی را نشان می‌دهد، اما برای شرکت‌کنندگان بررسی حاضر و جوانان ایرانی، به طور کلی ازدواج همچنان به صورت محوری باقی مانده است و هنوز گرایش به مجرد به طور عمده غیر عادی و نامقبول می‌باشد. به نظر می‌رسد این امر می‌تواند تا حدودی ناشی از شرایط منحصر به فرد اقتصادی، اجتماعی، تاریخی - فرهنگی و جمعیت‌شناختی کشور باشد.

لازم به ذکر است، با توجه به این که نمونه‌های مطالعه را دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز تشکیل دادند. بنابراین، تعمیم یافته‌ها به جوانان غیر تحصیل کرده، مستلزم رعایت احتیاط است. از سوی دیگر، پرسش و تفحص در مورد مقوله ازدواج و مسایل شخصی در فرهنگ جامعه ایران، امری نیست که به راحتی بتوان از اقتضای جامعه درخواست کرد که راجع به آن صحبت و اظهار نظر کنند و بر همین اساس، با توجه به مرد بودن مصاحبه‌کنندگان و انتخاب دانشجویان مرد جهت تسهیل انتقال تجربیانه عنوان شرکت‌کنندگان پژوهش، امکان تبیین تجارب مشارکت‌کنندگان زن وجود نداشت. با توجه به تأثیر سطح تحصیلات و فرهنگ در یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان در مطالعات آینده در کنار بررسی تغییرات ارزشی و نگرشی جوانان در نگاه به ازدواج، دیگر بخش‌های جامعه را به لحاظ تفاوت‌های قومیتی، جنسیتی و تحصیلی از لحاظ نحوه شکل‌گیری نگرش به ازدواج و طلاق مقایسه کرد.

حرفه‌ای خانواده و ازدواج، توصیه می‌شود.

بنابراین، با توجه به الگوی مطرح شده در پژوهش حاضر که نشان داد مراحل و جنبه‌های شکل‌گیری یک نگرش متعدد می‌باشد و بر حسب شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر مؤثر در تجربه ازدواج، راهبردها متفاوت و متناسب با نگرش است، امید می‌رود که این نتایج بتواند دستمایه مطالعات بیشتر در این زمینه قرار

گیرد تا افق‌های دیگری به روی این پدیده گشوده شود.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از دانشجویان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز که در انجام مطالعه حاضر همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

References

1. Memani PS. A comparative study of the marital attitudes of students from divorced, intact and single-parent families [Online]. [cited 2003]; Available from: URL: <http://etd.uwc.ac.za/xmlui/handle/11394/238>
2. Willoughby BJ, Hall SS, Luczak HP. Marital paradigms: A conceptual framework for marital attitudes, values, and beliefs. *J Fam Issues* 2013; 36(2): 1-24.
3. Sharp EA, Ganong LH. Raising Awareness about Marital Expectations: Are Unrealistic Beliefs Changed by Integrative Teaching? *Family Relations* 2000; 49(1): 71-6.
4. Jonsson FH, Njardvik U, Olafsdottir G, Gretarsson SJ. Parental divorce: Long-term effects on mental health, family relations and adult sexual behavior. *Scand J Psychol* 2000; 41(2): 101-5.
5. Jones GW. Not 'When to marry' but 'whether to marry': The changing context of marriage decisions in East and Southeast Asia. In: Jones GW, Ramdas K, Editors. (Un) tying the Knot: Ideal and Reality in Asian Marriage. Singapore, Singapore: National University of Singapore (NUS Press); 2004. p. 3-56.
6. Xenos P, Gultiano SA. Trends in female and male age at marriage and celibacy in Asia (Paper of the program on population, No. 120). Honolulu, Hawaii: East West Center; 1992.
7. Guest P, Tan JE. Transformation of marriage patterns in Thailand. Salaya, Thailand: Institute for Population and Social Research, Mahidol University; 1994.
8. Williams L, Guest P, Varangrat, A. Early 40s and still unmarried: A continuing trend in Thailand. *International Journal of Comparative Sociology* 2006; 47(2): 83-116.
9. Gottman JM. The roles of conflict engagement, escalation, and avoidance in marital interaction: A longitudinal view of five types of couples. *J Consult Clin Psychol* 1993; 61(1): 6-15.
10. Holman TB. Premarital prediction of marital quality or breakup: Research, theory, and practice. New York, NY: Springer; 2001. p. 18.
11. Thornton A. Influence of the marital history of parents on the marital and cohabitational experiences of children. *Am J Sociol* 1991; 96(4): 868-94.
12. Steinberg SJ, Davila J, Fincham F. Adolescent marital expectations and romantic experiences: associations with perceptions about parental conflict and adolescent attachment security. *J Youth Adolesc* 2006; 35(3): 314-29.
13. Civil Status Registration Organization. Moment by moment report of critical events (marriage and divorce) [Online]. [cited 2014]; Available from: URL: <http://www.sabteahval.ir/Default.aspx?tabid=4773>
14. Harris KM, Lee H. The development of marriage expectations attitudes, desire from adolescence in to young adulthood [MSc Thesis]. Chapel Hill, NC: Department of sociology and the Carolina population center, University of North Carolina at Chapel Hill; 2006.
15. Khojasteh Mehr R, Mombeini J, Aslani KH. A comparison of attitude toward marriage, attitude toward divorce and peer attachment of male high school students in divorced and intact families. *Journal of School Psychology* 2013; 3(7): 57-75. [In Persian].
16. Carroll JS, Willoughby B, Badger S, Nelson LJ, Barry M. So Close, Yet So Far Away, The Impact of Varying Marital Horizons on Emerging Adulthood. *J Adolesc Res* 2007; 22(3): 219-47.
17. Hall SS. Marital meaning: Exploring young adults' belief systems about marriage. *J Fam Issues* 2006; 27(10): 1437-58.
18. Hall SS. Implicit theories of the marital institution. *Marriage Fam Rev* 2012; 48(1): 1-19.
19. Axinn WG, Thornton A. The relationship between cohabitation and divorce: selectivity or causal influence? *Demography* 1992; 29(3): 357-74.

20. Sassler S, Schoen R. The effect of attitudes and economic activity on marriage. *J Marriage Fam* 1999; 61(1): 147-59.
21. Clarkberg M, Stolzenberg RM, Waite LJ. Attitudes, values, and entrance into cohabitational versus marital unions. *Social Forces* 1995; 74(2): 609-32.
22. Dennison RP, Kørner SS. Post-divorce interparental conflict and adolescents' attitudes about marriage the influence of maternal disclosures and adolescent gender. *J Divorce Remarriage* 2006; 45(1-2): 31-49.
23. Carroll JS, Badger S, Willoughby BJ, Nelson LJ, Madsen SD, Barry CM. Ready or Not? Criteria for marriage readiness among emerging adults. *J Adolesc Res* 2009; 24(3): 349-75.
24. Larson JH, Craig L. The relationship of childhood sexual abuse to the marital attitudes and readiness for marriage of single young adult women. *J Fam Issues* 2005; 26(4): 415-30.
25. Mahay J, Lewin AC. Age and the desire to marry. *J Fam Issues* 2007; 28(5): 706-23.
26. Laner MR, Russell JN. Course content and change in students: Are marital expectations altered by marriage education? *Teach Sociol* 1994; 22(1): 10-8.
27. Fowers BJ, Lyons E, Montel KH, Shaked N. Positive illusions about marriage among married and single individuals. *J Fam Psychol* 2001; 15(1): 95-109.
28. Plotnick RD. Adolescent expectations and desires about marriage and parenthood. *J Adolesc* 2007; 30(6): 943-63.
29. Khojasteh Mehr R, Mohammadi A, Abbaspour Z. Married students' attitude to marriage: A qualitative study. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing* 2016; 4(2): 19-28. [In Persian].
30. Adib Hajbagher M, Parvizi S, Salsali M. Qualitative research approach. Tehran, Iran: Tanin Publications; 2008. [In Persian].
31. Creswell JW. Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches. Thousand Oaks, CA: SAGE; 2007.
32. Strauss A, Corbin JM. Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications; 1998.
33. Riggio H, Weiser D. Attitudes toward marriage: Embeddedness and outcomes in personal relationships. *Pers Relatsh* 2008; 15(1): 123-40.
34. Sergin C, Nabi RL. Dose television viewing cultivate unrealistic expectation about marriage. *J Commun* 2003; 52(2): 247-63.
35. Dillon HN, Chair PC, Dixon W, Ellis J. Family violence and divorce: Effects on marriage expectations. *J Pers Soc Psychol* 2005; 43(5): 93-120.
36. Heater KK. Investigation of Variable Influencing Colledge Students Marital Attitudes and Fear of Intimacy [PhD Thesis]. Muncie, IN: Ball State University; 2005.
37. Williams L. Attitudes toward marriage in northern Vietnam: What qualitative data reveal about variations across gender, generation, and geography. *J Popul Res* 2010; 26(4): 285-304.

A Grounded Theory of Attitudes toward Marriage: A Qualitative Study

Reza Khojasteh-Mehr¹, Ali Mohammadi², Zabihollah Abbaspour³

Original Article

Abstract

Introduction: Given the sparse literature on explaining how the attitudes toward marriage are formed in Iran, this study aimed to explain the formation process of attitude toward marriage in Iranian married students.

Method: This was a qualitative study of the grounded theory type in the academic year of 2014-2015. The sample consisted of 18 married students in Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran, chosen through purposive sampling. In-depth and semi-structured interviews were conducted to collect the data. Data analysis was carried out using Strauss and Corbin's three-step coding model (open, axial, selective).

Results: The "relative change in attitudes toward marriage" was central class of paradigmatic pattern. The classes of sociocultural factors, early experiences, and observation of incomplete patterns were the causal conditions in this pattern. Three classes of awareness of and understanding each other, material and spiritual support, and realizing the sanctity of marriage were the intervening conditions. Pressures for marriage, interference of parents, intergenerational transmission, as well as economic factors were regarded as contextual conditions. Coping strategies proportional to attitudes were identified as interactive actions. Perceived personal development and willingness in marriage, ambivalence toward deciding to marry, and increase in the age of marriage were provided as the consequences of this paradigmatic pattern.

Conclusion: According to paradigmatic pattern, changing attitudes towards marriage is a fundamental factor in encouraging young people to marry, which can be implemented through a systematic approach. According to this approach, promoting successful patterns of marriage in society, moral and material support by parents, teaching coping strategies commensurate with the challenges of marriage, increasing marriage preparation skills, and government support in forming counseling units run by professional family psychologists and counselors are recommended.

Keywords: Grounded theory, Attitude toward marriage, Qualitative study

Citation: Khojasteh-Mehr R, Mohammadi A, Abbaspour Z. **A Grounded Theory of Attitudes toward Marriage: A Qualitative Study.** J Qual Res Health Sci 2017; 6(3): 343-54.

Received date: 16.09.2015

Accept date: 25.05.2016

1- Professor, Department of Counseling, School of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

2- MSc Student, Department of Counseling, School of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

3- Assistant Professor, Department of Counseling, School of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Corresponding Author: Reza Khojasteh-Mehr, Email: khojasteh_r@scu.ac.ir